

جغرافیا و تأثیرات جغرافیایی عصر قاجار

۱۲۶۷ هـ. ق دروس اصلی آن را مهندسی و دواسازی و طب و جراحی و توبخانه و پیاده نظام و سواره نظام و معدن‌شناسی یعنی هفت شعبه مجزا تشکیل می‌داده است. در این هفت شعبه علاوه بر دروس اختصاصی، درس‌های دیگری نیز مانند تاریخ و جغرافیا و طبیعت و ریاضیات هم مناسب با شعب هفتگانه فوق الذکر تدریس می‌شده است. مسلم است در جایی که مهندسی و توبخانه و پیاده نظام و سواره نظام تدریس شود ممکن نیست جغرافیا که با تمام این رشته‌ها پیوستگی نزدیک دارد تدریس نشود ولی در تمام آثاری که از سال‌های اول دارالفنون باقی مانده نامی از معلمی که تدریس جغرافیا را به عهده داشته باشد دیده نشده و از این جا می‌توان حلس زد که درس جغرافیا معلم خاصی نداشته است.^۲

همچنین محبوبی اردکانی در ذکر جزئیات برنامه درس‌ها و معلمان دارالفنون می‌نویسد که گرزیز یا کوششیش که بکی از معلمان اطربیشی بود، معلم توبخانه و حساب و هندسه و جغرافیا و جنگ‌های معروف بوده است. اردکانی در جای دیگر کتاب خود، نظر اقا از ارامنه آذربایجان را که بعد از مشاغل مهمتری به دست آورده و با اقبال یمین‌السلطنه، وزیر مختار ایران در پاریس شد، معلم زبان خارجه و جغرافیا می‌داند.^۳

تدریس جغرافیا در دارالفنون به هر صورتی که آغاز شده باشد مسلم است که این علم از هنگامی اهمیت و اعتبار پیدا کرده است که میرزا عبدالغفار نجم‌الملک به تدریس و ترویج آن در دارالفنون اهتمام ورزید میرزا عبدالغفار (۱۲۵۵-۱۳۲۶ هـ. ق) فرزند آخوند ملاعلی محمد‌اصفهانی از فضلای زمان خود بود که زبان‌های خارجی را هنگام تحصیل در دارالفنون از معلمان فرهنگی فراگرفت و کم کم به امر تدریس پرداخت.^۴ صرفنظر از خدمتی که عبدالغفار به آموزش جغرافیا و تنوین کتب درسی جغرافیا انجام داد و از این نظر او را باید پیشقدم و پیشه‌نگ دانش جغرافیا در تاریخ معاصر ایران دانسته دو اقدام دیگر او از لحاظ جغرافیایی دارای اهمیت خاص می‌باشد: ۱- تهیه نقشه تهران ۲- تعیین نفوذ دارالخلافه.

میرزا عبدالغفار در علوم مهندسی و نقشه‌کشی تخصص داشت و سالها به تدریس این علوم و تربیت جوانان کشور در این رشته‌ها اهتمام ورزید، نخستین بار در سال ۱۲۶۸ هـ. ق به پاری بیست نفر از شاگردان دارالفنون نقشه اراضی جدید شهر تهران را در مدت هشت ماه کشید و از آن تاریخ که شهر تهران در داخل حصار جدید به سرعت توسعه پیدا می‌کرد، همواره تغییرات و توسعه‌های جدید را در نقشه خود وارد می‌ساخت و به عبارت دیگر کار نقشه‌برداری را ادامه می‌داد. سال ۱۳۰۵ هـ. ق کار نقشه‌برداری شهر تهران به انجام رسید و از آن پس سه چهار سال را هم صرف ترازیابی محیط شهر نمود. در سال ۱۳۰۹ هـ. ق اولین نقشه کامل شهر تهران را از خود به یادگار گذاشت و این نقشه نه فقط تا سال‌ها مورد استفاده قرار گرفت بلکه اکنون هم از لحاظ تحولات بافت شهر مورد علاقه جغرافیدانان شهری می‌باشد. اقدام مهم دیگر میرزا عبدالغفار اولین سرشماری نفوذ از تهران است که آن را در سال ۱۲۸۴ هـ. ق به دستور ناصرالدین شاه انجام داده است. او مدت ۵۵ روز به پاری هشت تن از شاگردان زیبدۀ دارالفنون این وظیفه را انجام داد و حاصل زحمات خود را در رساله‌ای با عنوان تشخیص نفوذ دارالخلافه تنظیم کرد که مورد تجزیه و تحلیل دکتر ناصر پاکدامن قرار گرفته است. میرزا عبدالغفار همچنین در آخر عمر خود کتابی به نام کفایه‌الجغرافی جدید تألیف کرد که در سال ۱۳۱۹ هـ. ق. در تهران به چاپ رسید. در مقدمه



علم جغرافیا در دوره سلطنت قاجارها تا پیش از تأسیس دارالفنون چندان مورد توجه نبود. ولی پس از آنکه رشته جغرافیا و نقشه‌کشی و مهندسی در دارالفنون زیر نظر معلمین اروپایی تأسیس و روحیه کنجدکاوی محصلین نسبت به است فقط اشاره مختصری به آموزش جغرافیا در برنامه درسی دارالفنون می‌کنند ولی از قراین چنین برمی‌آید که امیرکبیر شخصاً برای درس جغرافیا که از نظر او نقش بزرگی در تهییف افکار ایرانیان و بیداری آنان نسبت به مسائل جهانی داشته اهمیت خاصی قائل بوده است چون بنا به گفته آدمیت هنگامی که در ارزویالروم مأموریت مرزی تاریخی و معروف خود را انجام می‌داده با جان داده‌خان اولمنی آشنا شده او را مأمور ترجیمه کتابی در جغرافیا است.^۵ از سوی دیگر گفته شده است که امیرکبیر قبل از افتتاح رسمی دارالفنون هزینه چاپ کتاب جغرافیای معروف فلوجون رفائل را پرداخته است و چنین اتفاقی از سوی امیرکبیر در مورد هیچ یک از رشته‌های دیگر علوم گزارش نشده است. بدون شک نظر امیرکبیر در تأسیس دارالفنون این بوده که مدرسه‌ای فنی و نظامی و طبی و صنعتی در ایران ممالک، ارزش و موقعیت علم جغرافیا را در میان طبقه باسوساد و تحصیلکرده بالا برد. با وجود آنکه آموزش جغرافیا برای نخستین بار در دارالفنون آغاز شده است لیکن اطلاع دقیقی از کم و کيف آموزش جغرافیا در دارالفنون در دست نیست. به طوری که

صرفنظر از خدمتی که عبدالغفار نجم الملک (۱۲۵۵-۱۳۲۶ ه. ق) به آموزش جغرافیا و تدوین کتاب درسی جغرافیا انجام داد و از این نظر او را باید پیشقدم و پیشاهمگ دانش جغرافیا در تاریخ معاصر ایران دانست، دو اقدام دیگر او از لحاظ جغرافیایی دارای اهمیت

خاص می‌باشد:

- ۱- تهییه نقشهٔ تهران،
- ۲- تعیین نقوص دارالخلافه

داشته بعد از فراگرفتن چند زبان اروپایی به فکر آموختن زبان فارسی افتاده و به قصد فراگرفتن این زبان به ایران آمد و در تبریز اقامت گزیده و زبان فارسی را به خوبی یاد گرفته است. از مقدمه کتاب استباط می‌شود که نویسنده این کتاب ایرانی نبوده ولی در مدت کوتاهی فارسی را طوری فراگرفته است که توانسته کتابی به این زبان تالیف نماید. نکته دیگری که از این مقدمه پیداست آن که تا زمان او کتاب جغرافیایی در ایران وجود نداشته است چون تا آن زمان مطالب جغرافیایی در ضمن کتب ممالک و ممالک اورده می‌شد و علم مستقلی بنام جغرافیا وجود نداشته است. سومین نکته اینکه مطالب کتاب را از متون فرانسه به فارسی برگردانده و در تدوین کتاب ایجاز و اختصار را رعایت کرده است. این کتاب از یک مقدمه و پنج فصل تشکیل شده که مقدمه آن حاوی کلیات جغرافیایی و مباحثی کوتاه است از قبیل نام جغرافیا و شکل و حرکات زمین و جهات اربعه و تقسیمات زمین و جمیعت و نژادهای بشري آن چنان که در آن زمان مورد اعتماد کشورهای اروپایی بوده است. در ابتدای فصل اول (مطلوب اول) در بیان اقلیم (قاره) آسیا حدود هفتاد صفحه را به شرح جغرافیای ایران اختصاص داده که در این بخش پس از ذکر حدود و سمت و جمیعت (۱۸ کرور یا ۹ میلیون)، به شرح جغرافیایی عراق عجم، طبرستان، مازندران، گیلان، آذربایجان، کردستان، خوزستان، فارس، چهارپایه پسر بوشهر، کرمان، قوهستان، خراسان و هرات پرداخته است. سپس در چهل و چهار صفحه به ذکر جغرافیای کشورها و ممالک دیگر آسیا پرداخته است. در فصول دیگر به شرح جغرافیای اروپا در صد صفحه، آفریقا در بیست و سه صفحه، آمریکا در سی صفحه و اقیانوسیه در هفت صفحه پرداخته است.^{۱۰}

از جمله کتاب‌های جغرافیایی مهمی که در دوره سلطنت ناصرالدین شاه به چاپ رسید کتاب معروف جام جم تالیف فرهاد میرزا معتمدالدوله است که در سال ۱۳۷۲ ه. ق. طبع گردید.

با وجودی که جهت تدریس در دارالفنون تدوین نشده - چون حالت کتاب درسی ندارد - ولی در تحول و اشاعه دانش جغرافیا در آن زمان تأثیر داشته است. جام جم در باب تالیف شده که باب اول آن شامل کلیات جغرافیایی و مباحثی مانند زمین در فضا و طول و عرض جغرافیایی و حرکات زمین و نقشه و کرات مصنوعی و امثال آن و بقیه ابواب به شرح و تفصیل جغرافیایی کشورهای جهان اختصاص یافته است که دو باب آن شامل جغرافیای ایران است.

در باب دوازدهم در بیان تقسیمات جغرافیا آمده است که جغرافیا را بر حسب زمان بر سه قسمت کرده‌اند: جغرافیای قدیم مشتمل به شرحی است که از احوال دنیا یونانیان و رومیان اطلاع خودشان را در آن بیان کرده‌اند. جغرافیای مقدس محتوی تقاضیری است از خلقت دنیا تا زمان حضرت عیسی که شامل یک زمان چهار هزار و چهار ساله است و این قسمت جغرافیا در کتب مؤسسه سماوی و تواریخ آن عهد بیان شده و جغرافیای جدید مشتمل به تقاضی است که اکنون از کیفیت صفحه زمین و ممالک و قوانین و قواعد

این کتاب مؤلف به تألیفات خود در زمینه علوم مختلف از جمله جغرافیا اشاره می‌کند و از مساحتی و نقشه‌بندی اش از راههای تهران - محمدره و تهران - بوشهر یاد می‌نماید. میرزا عبدالغفار خان از ۱۲۷۵ ه. ق تا ۱۳۱۹ ه. ق متجاوز از چهل و چهار سال به شغل معلمی جغرافیا در دارالفنون اشتغال داشته است و از این لحاظ نه فقط او را باید پیشقدم جغرافیدان ایران دانست بلکه باید او را بزرگترین جغرافیدان دوره دارالفنون به حساب اورد.

جغرافیدان دیگری که از این زمان شناخته شده است مهندس عبدالرؤوف بغايري است که در سال ۱۲۸۶ ه. ق در خراسان تولد یافت و در ده سالگی به تهران آمد و پس از فراگرفتن علوم ابتدائی نزد پدر، جهت تکمیل تحصیلات خود در سال ۱۳۰۴ ه. ق وارد دارالفنون شد و مدت شش سال در آنجا به ادامه تحصیل پرداخت.

بغايري در ۱۳۰۸ ه. ق. اقدام به ترسیم نقشه ایران با استفاده از نقشه‌های انگلیسی و فرانسوی و روسي نمود و آن چنان نقشه‌ای با اصول صحیح و تلفظ‌های کنترل شده فراهم ساخت که سال‌ها مورد استفاده خاص و عام بود. معروف است که بغايري کره مصنوعی بزرگی برای اهدا به ناصرالدین شاه ساخته بود که در ازای آن درجه سرتیبی و معلمی مدرسه نظام به او داده شد. او همچنین نقشه‌ای از تهران آن روز تهیی کرد که از نظر مطالعه تهران در حدود صد سال پیش بسیار جالب توجه است. اوین کار را به قول خودش با کمک شاگردانش در دارالفنون انجام داده است. او در تحدید حدود بین ایران و عثمانی که در سال‌های بعد از ۱۳۳۲ ه. ق صورت گرفت، مشارکت داشته و سالهای آخر عمر خود را در خدمت وزارت خارجه و در سمت رئیس اداره فنی و نقشه برداری گذرانده است. بغايري را بعد از نجم‌الملک بایستی بزرگترین چهره در آموزش و ترویج جغرافیا در سال‌های اولیه تکونی علم جغرافیا در ایران دانست.^{۱۱}

به هر حال با ادامه فعالیت دارالفنون و بسط ارتباط با مغرب زمین و توسعه ارتباطات عمومی از طریق روزنامه و بالآخره آشنايی طبقه روشنگر آن زمان با صادر غربی، روز به روز بر تعداد مدارس جدید افزوده شد. اولین مدرسه ابتدائی بنام «مدرسه رشدیه» در سال ۱۳۱۸ ه. ق. توسط میرزا حسن رشدیه در تهران تأسیس شد، پس از آن، اطلاع داریم که در سال ۱۳۲۵ ه. ق. در تهران ۱۴ باب مدرسه ابتدائی وجود داشته است. توسعه مدارس به اندازه‌ای سریع بود که چهار سال بعد آمار وزارت معارف تعداد مدارس تهران را ۱۲۳ باب با ۱۰۵۳۱ شاگرد ثبت کرده است.

آنچه از تاریخ چاپ کتابهای جغرافیایی مدارس این دوره استباط می‌شود غیر از کتاب جغرافیای مهندس المالک، از کتاب‌های کفایه‌الجغرافی نجم‌الدوله و نیز از کتاب‌های جغرافیایی غیر درسی استفاده می‌شده است. مسلم این است که جغرافیایی در آن مدارس هرگز به وسیله معلم آموزش یافته و مجری تدریس نشده و در میان برنامه درس‌ها نیاز به تخصصی نداشته و از هر فرد باسوسادی برای تدریس آن استفاده می‌شده و هدف هم حفظ کردن تعدادی اسم و اصطلاحات جغرافیایی بوده است.^{۱۲}

کتاب اصول علم جغرافیا، تألیف عبدالغفارخان نجم الملک (نجم الدوله) - چاپ ۱۲۹۸ ه. ق - را بدون تردید باید نقطه عطفی در تحول فکر جغرافیایی و معرفی اصول جدید علم جغرافیای غربی که در آن زمان متداول بوده، دانست

پس از تصویب تحصیلات متوسطه و عالی در قانون اساسی معارف (۱۳۴۹ ه. ق / ۱۲۹۰ ه. ش) مدارس متوسطه به تدریج توسعه یافت. افتتاح و توسعه مدارس متوسطه به حکم ضرورت مسأله کتب درسی مدارس متوجه را به وجود آورد و زمینه‌ای برای ایجاد این انشاعه علم جغرافیا فراهم کرد و داشمندان زیادی که در رأس آنها عباس اقبال آشنايی قرار داشت به تهیی کتاب‌های جغرافیایی درسی برای مدارس متوسطه دست زدند. با همه این احوال تردیدی نیست که تاریخ آموزش واقعی در علم جغرافیا با تاریخ آموزش عالی به طور کلی همزمان است. آغاز این دوره را باید سال ۱۳۰۷ ش دانست زیرا که در این سال دو واقعه مهم به وقوع پیوست که در آموزش جغرافیا اثر فراوان از خود باقی گذاشت. تخت تبدیل دارالمعلمین مرکزی به دارالمعلمین عالی که هدف آن تربیت معلم برای تدریس در مدارس متوسطه در کلیه رشته‌ها از جمله جغرافیا بود. واقعه دوم تصویب قانون اعزام محصل به خارج از کشور بود که مقرر می‌داشت تا شش سال هر سال لااقل یکصد دانشجو برای فراگرفتن فنون و علوم طبیعی و ریاضی و تعلیم و تربیت و پژوهشکاری و مهندسی از میان فارغ التحصیلان دیرستان‌ها با امتحان مسابقه انتخاب و با هزینه دولت به اروپا اعزام شوند. در قانون مذکور مقرر شده بود که ۳۵ درصد از دانشجویان اعزامی در رشته‌های مختلف معلمی از جمله جغرافیا اشتغال ورزند. این قانون موجب تحصیل برخی از دانشجویان اعزامی در رشته جغرافیا و در نتیجه توسعه این علم در ایران شد.^{۱۳}

کتابهای جغرافیایی تأثیف شده در دوره قاجار: همان طوری که پیش از این ذکر شد تا قبل از تأسیس دارالفنون علم جغرافیا چندان مورد توجه نبود ولی پس از تدریس این رشته در دارالفنون، رسالات و کتبی در زمینه علم جغرافیا تدوین یافت. کتاب جهان‌نمای فلوفون رفائل که در سال ۱۲۶۷ ه. ق. در تبریز چاپ سنتگی شد و به نسبت تدریس در دارالفنون تهیی شده بود را باید تختستین کتاب جغرافیا در این دوره دانست. نویسنده کتاب خود را فلوفون رفائل، تبعه دولت انگلستان معرفی می‌کند و در مقدمه آن می‌گوید که چون از کوکدی علاقه به یادگرفتن زبان خارجی

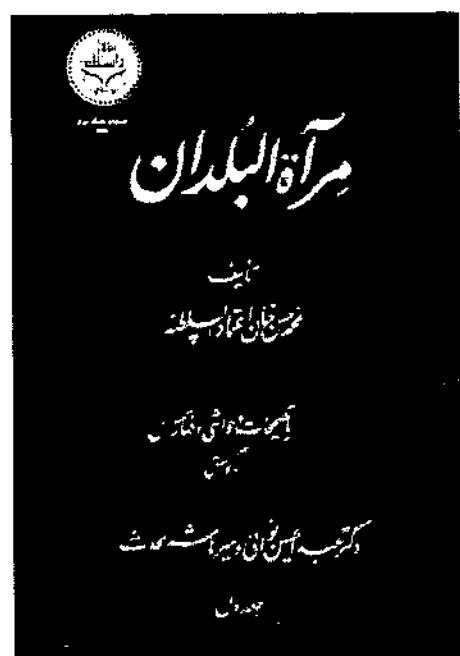
و منصب و نفوذ و محصولات هر جا به طور یقین تخمین در دست است.

در همین باب درباره دو قسم دیگر از جغرافیا یعنی جغرافیای مهندسی و جغرافیای نجومی مطالعی آمده است. در ابواب مربوط به تقسیمات و حرکات زمین و دوایر مدار و نصف‌النهار مطالب علمی و جالبی نوشته شده که در برنامه‌های درسی کلاس‌های دانشگاهی مورد بحث قرار می‌گیرد. به علاوه آنکه در شرح اقیانوس‌های زمین مختصمن مطالب ارزشمندی است.

از مجموع ۱۴۸ باب کتاب جام جم دو باب به ایران اختصاص داده شده که یک باب آن دو صفحه و دیگر ۲۲ صفحه است و چون نویسنده درباره ایران مطالب تاریخی زیاد داشته، از جمله جغرافیا مطالب ایران از بقیه فصول کمتر است ولی در بخش تاریخی ترجمه کامل کتبیه بیستون را که بوسیله راولینسن تفسیر شده گنجانده است. از مزایای بزرگ کتاب جام جم فهرست الفبی تمام شهرهای است که در کتاب بدان‌ها اشاره شده و در هر مورد نام و جمعیت هر یک از لحاظ وقوع در ناحیه یا کشور نیز ذکر شده است. این کتاب در زمان خود بزرگترین منبع اطلاعات جغرافیایی و تاریخی بوده و به صورت دایره المعارف کوتاهی مورد استفاده واقعی شده به طوری که پاره‌ای از اصطلاحات متدرج در آن تا سالها بعد در میان جغرافینان متناول بوده است. از جمله کتاب‌های دیگر که در دوره سلطنت ناصرالدین شاه تتوییں یافته کتاب مرآه‌البلدان است. کتاب مرآه‌البلدان چنان که از نامش پیشاست کتابی است در شرح شهرها و قرا و قصبات ایران بزرگ که شامل منطقه‌ای بوده است از «رود سیحون تا هزاره فرات و از درند باب الابواب در شمال بحر خزر تا جزایر و سواحل خلیج فارس».

این کتاب که بر اساس کتب جغرافیایی مؤلفین قدیم و سفرنامه سیاحان و مکتشفین جدید نوشته شده متأسفانه ناتمام مانده و تنها چهار مجلد از آن تألیف یافته، آن هم نه چهار مجلد در جغرافیا بلکه از این مجلدات تنها جلد اول و چهارم مربوط به جغرافیاست و جلدی دوم و سوم شرح سلطنت سی ساله ناصرالدین شاه از آغاز سلطنت وی در ۱۲۶۴ هـ. ق تا ۱۲۹۴ هـ. ق. است. جلد اول این کتاب تا پایان حرف «ت» و کلمه «تهران» نوشته شده است. از اینجا به بعد به مناسب کلمه «تهران» که پایتخت دولت قاجاری بوده، به شرح سلطنت سی ساله ناصرالدین شاه پرداخته شده و در حقیقت جلد دوم و سوم تاریخ است و با دو جلد اول و چهارم که جغرافیاست تفاوت اساسی دارد. به عبارت دیگر جلد دوم و سوم مرآه‌البلدان شامل بخشی از مطالب جلد سوم منتظم ناصری است که شرح وقایع سالهای ۱۱۹۴ تا ۱۲۶۴ هـ. ق. می‌باشد یعنی شرح و قایع سلطنت آقا محمدخان، فتحعلی شاه و محمدشاه در ابتدای آن و شرح حوادث سال‌های بین ۱۲۶۴ تا ۱۳۰۰ هـ. ق. در انتهای آن افزوده شده است. در واقع حوادث سالهای ۱۲۶۴ تا ۱۲۹۴ هـ. ق کتاب منتظم ناصری مطالب جلد دوم و سوم مرآه‌البلدان را تشکیل می‌دهند.

مرآه‌البلدان به ترتیب الفبی و بیشتر بر اساس مطالب کتاب مجمع‌البلدان تالیف یاقوت حموی تنظیم شده است ولی مطالب دیگر جغرافینان اسلامی و ایرانی چون این الفقیه ابویکر احمدبن محمدبن اسحق مؤلف مختصر‌البلدان و احمدبن ابی یعقوب ملقب به این‌واضح مؤلف‌البلدان و ابوالحسن علی مسعودی مؤلف مروج‌الذهب و حمدالله مستوفی مؤلف نزهه‌القلوب و ابن بطوطه نویسنده تحفة‌النظار یا سفرنامه این بوطه و امثال آنان را نیز مورد مطالعه و



مربوط به طول و عرض جغرافیایی، به توصیف جهات چهارگانه زمین و چگونگی تقسیمات جغرافیایی بر اساس خط استوا پرداخته و می‌نویسد:

«دایرۀ استوا که مرور کرده است بر مرکز زمین و قایم است بر خط اواصل مابین دو قطب شمال و جنوب و به این دایرۀ کره زمین به دو جزء متساوی قسمت می‌شود آن جزء که به سمت شمال افتاده نصف شمالی کره زمین است و آن نصف دیگر نصف جنوبی و بقاع خط استوا امر واضح زمین است از آن جهت که اشعه افتاب به طور قیام در آنجا فرود آید».

وی همچنین در توصیف نصف‌النهار می‌نویسد:

«دایرۀ نصف‌النهار آن است که مرور نماید بر قطبین زمین و بر نقطه سمت الراس و این قایم باشد بر دایرۀ استوا و کره زمین را بر دو جزء قسمت کند که یک جزء را نصف شرقی و جزء دیگر را نصف غربی نامند... در زمان قدیم چون منتهای آبادی در جهت مغرب جزایر خالدات را می‌دانسته‌اند جزیره فر* را که غربی آنهاست مبدأ طول گرفتند و این مبدأ را هنوز در ایران و ممالک آلمانی معمول دارند و اما در فرانسه، به فرمان لوئی سیزدهم، در سال هزار و چهل و چهار هجری، مبدأ را از پاریس گرفتند از دایرۀ نصف‌النهاری که به رصدخانه آنجا گزند و حال این مبدأ در اکثر ممالک معمول است».

در فصل مربوط به «اقالیم سبعه و خندو آن» بر اساس نظریه مقدمین به توصیف ربع مسکون پرداخته و می‌نویسد: مقدمین ربع مسکون را واقع در نیمه شمالی کره زمین دانسته و اعتقادی به وجود حیات در جنوب خط استوا نداشته‌اند. وی همچنین می‌نویسد مقدمین جزیره فر را مبدأ یا منتهای ربع مسکون می‌دانستند و از زمان بطلمیوس همان جزیره را مبدأ طول جغرافیایی می‌گرفتند. ربع مسکون به هفت اقلیم تقسیم می‌شد که طول هر کدام از مغرب بود به سمت شرق و عرض هر کدام را چنان اختیار می‌گردند که به ترتیب «فضل اطول ایام یکی بر تالی خود نیم ساعت باشد» و هر یک از این هفت قسم را اقلیمی می‌خوانند و خط استوا به عنوان مبدأ اقلیم اول در نظر گرفته می‌شود. اعتمادالسلطنه همچنین در آغاز جلد اول مرآه‌البلدان، در توصیف زمین که «خلاف عالم مسکن بنی آدم» قرار داده است می‌نویسد که زمین از حیث آب و هوا متنوع و شگفت‌انگیز است. در وسط «بحار‌ذخار» که سه پنجم کره زمین را در بر می‌گیرد جزایری مشاهده می‌شود که برخی ام زیز و خراب و برخی دیگر مسکون و آباد است. وی همچنین به معروف بنادر جهان از لحاظ عمران و آبادانی و قابل کشتی رانی بودن یا غیر معمور و خطرناک بودن آنها می‌پردازد و در توصیف قطبین و استوا می‌نویسد:

«حوالی قطبین همیشه در شدت برودت و دریاها و اراضی آن بیوسته منجمد و پوشیده از بخ است و اراضی محاذی خط استوا به شدت گرم یا معتمد است». وی همچنین به تفاوت در نژاد انسانی اشاره کرده می‌نویسد:

«هالی بعض قطعات ایض و بعض قطعات دیگر اسودند. سکنه چن و زاین و مغولستان را رنگ گونه و خلقت بشره دیگر گون بلکه سایر اعضاشان شباهتی با اجزای سایر مخلوق ندارند. اجسام وحشیهای ینگی دنیا همچون رنگ مس سرخ است».

اعتمادالسلطنه در خود در شرح مطالب مرآه‌البلدان می‌نویسد از قبل این نوشنی جغرافیای فعلی ایران نبود بلکه هدف از تألیف این کتاب نوشنی تاریخ شهرها و حوادث مهمی است که در زمان‌های گذشته روی داده است بنابراین خوانندگان این کتاب به راحتی می‌توانند از جغرافیای تاریخی شهرها و حتی روستاهای و حوالشی که در آنها روی داده است به طریق اختصار آگاهی یابند. البته پیش از توصیف مناطق جغرافیایی ایران دو فصل مختصر در تعریف طول و عرض در گذشته به دلیل نبودن و ارتباط میان ملل با یکدیگر

دفتر که در کتابخانه وزارت دارالی ثبت و ضبط گردیده در فرهنگ ایران زمین (جلد ششم) به قلم استاد ایرج افشار آمده و محتویات هر دفتر معرفی شده است. در این مجموعه اغلب بدین مطلب تصریح شده که به امر شاه قاجار یا به دستور اعتمادالسلطنه فراهم آمده و پیداست که چون همگی مربوط به جغرافیای ولایات مختلف و دارای شماره نفوس و نوع معیشت و شرح حال علم و فضلاً وصف اینیه و آثار هنری و ذکر حدود و مختصات شهرها و ولایات است، همان منابع و مطالب کتاب مرآه البلاط بوده که اعتمادالسلطنه فرصت نیافته آن اطلاعات را در تهیه و تنظیم مجلدات بعدی مورد استفاده قرار دهد.^{۲۳}

از جمله کتاب‌های دیگر اعتمادالسلطنه که در زمینه جغرافیا تدوین یافته کتاب التدوین فی احوال جبال شروین یا تاریخ سوادکوه مازندران است. این کتاب توسط مصطفی احمدزاده در سال ۱۳۷۲ تصحیح و چاپ و منتشر شده است.

اعتمادالسلطنه در مورد نامگذاری این کتاب که راجع به

تاریخ و جغرافیای سوادکوه می‌باشد می‌نویسد:

«در زمانی عرب معرفت به حوال ناحیه سوادکوه بهم رسانیده که حکمران آن را شروین می‌گفته‌اند. لهذا آن قوم این کوهستان را منسوب و مضاف به آن اسم کرده، جبال شروین در کتب خود ضبط کرده‌اند. پس ما هم به مصنفین عرب که در آن وقت مصادر علوم و اعلام درایت بوده اقتدار نموده، کتاب تاریخ و جغرافیای سوادکوه را موسوم به کتاب التدوین فی احوال جبال شروین نمودیم».^{۲۴}

اعتمادالسلطنه در مورد وجه تسمیه سوادکوه چنین توضیح می‌دهد: «سوادکوه به اسم یکی از جبال مشهور آن جا موسوم شده و آن کوه در جنوب شرقی قصبه‌ی چرات از بلوک محل و لوپی، که یکی از دو محال سوادکوه می‌باشد، واقع شده، و اهالی فعلاء، آن کوه را سوات می‌گویند».

در این کتاب راجع به جغرافیای تاریخی مازندران و دریای خزر و اقام آن منطقه، احوال و عادات طوابق مازندرانی در دوره‌های مختلف تاریخی، مطالب ارزشمندی آمده است. به علاوه آنکه مطالعی در مورد ضرب سکه، جبال مازندران، حالت حالیه سوادکوه، مختصی در حالات سوادکوه و مازندران، فواكه و اشجار و طیور و حوش سوادکوه، در آغاز این کتاب آورده شده و تاریخ سوادکوه در هشت فصل بدین شرح ذکر شده؛ فصل اول در ظهور اسلام در ولایات سوادکوه و هزار جریب و بندی در ضمن سایر بلاد طبرستان و مازندران از جلگه و کوهستان به نحو اجمال. فصل دوم در ذکر احوال داعیان و سبب آمد و شد سادات به طبرستان و اصفاق و اربع آن و تسلط ایشان در آن ممالک و ذکر خروج داعی کبیر، فصل سوم در احوال ملوك باوند. فصل چهارم در استیلای آل باوند نوبت دوم. فصل پنجم در حکومت علاء‌الدوله حسن بن رستم. فصل ششم در حکومت حسام الدوله شاه اردشیر، فصل هفتم در حکومت شمس‌الملوک رستم بن اردشیر. فصل هشتم در استیلای آل باوند نوبت دیگر در مازندران، سلسله نسب آل باوند، ملوک قارونوند، ملوک بادوسپان، سلطنت اولاد بادوسپان بن جبل رستم‌دار، اولاد دایویه، اولاد بادوسپان در رستم‌دار، مدت حکومت آل قارون در مازندران، مدت ایالت آل وشمگیر، مدت حکمرانی آل باوند در مازندران، دولت مقلوبین از نواب خلفاً و داعیان و ذکر فتح قلعه‌ی فیروزکوه و دیگر قصاید^{۲۵}.

از جمله کتاب‌های دیگر جغرافیا که در طول سالهای ۱۳۰۱-۱۳۰۳ ه. ق. توسط محمدحسن خان اعتمادالسلطنه یا به دستور ایشان به رشته تحریر در آمده کتاب ارزنده‌ای است به نام مطلع الشمس که به هنگام سفر ناصرالدین شاه به

خیلی دشوار بود لیکن حالا به واسطه راه‌آهن مسافت از جل الطارق به دامنه کوه آرال بسیار آسان است و یا اینکه بوسیله کشتی‌های بخار می‌توان در کمال سهولت از محیط آتلانتیک (اقیانوس اطلس) به پاسیفیک (اقیانوس آرام) رفت و در اغلب دریاها سفر نمود. اعتمادالسلطنه همچنین به اهمیت و نقش تکنولوژی جدید در ایجاد روابط بین‌المللی اشاره کرده می‌نویسد:

«حالا به واسطه سهولت مراوده تمام کرده ارض را می‌توان مخلوق واحد شمرد و مل مختلف سکنه این کره را که در قدیم از یکدیگر دور و بی خبر و از حال هم مستحضر نبودند به یکدیگر شناساند».

وی همچنین در خصوص اکتشافات جغرافیایی و تلاش داشتمانی برای شناسایی بیشتر زمین می‌نویسد:

«در این زمان مخصوصاً می‌باشد به اکتشاف نقاط غیرمعلمه زمین در جمیع خواطر راسخ و به ترقی و شیوع این مطلب قلوب مایل است و به قدری پیروی این علم را کرده‌اند که می‌توان گفت الحال قطعه‌ای از قطعات ربع مسکون و نقطه‌ای از نقاط اربع فلاتة حالیه نیست که مسافران و طالبین این فن به رای‌العین تدیده و شرح آن قطعات و نقاط را کماهی به رشته تحریر نکشیده باشند و فی نفس الامر چه علمی ارفع و چه اطلاعی اتفع از این است که مردم بصیرت و معرفت به احوال سیاره‌ای که در آن ساکن‌اند به هم رسانند و وضع جبال و تلال و شطوط و انهر و قصبات و قری و امصار این کوکب سیاره که مسکن این بشر خاکی خاطئ بی خبر است بدانند و از تقسیم آن به اقالیم به تغیر حد هر مملکت بلد و بصیر و به احوال گذشته و حالیه آن اماکن خبر شوند».

در مورد چگونگی تنظیم و تدوین کتاب مرآه البلاط، اعتمادالسلطنه طبق نرسننامه‌ای از حکام ولایات و ایالات ایران خواست تا کلیه اطلاعات مربوط به حوزه حکومت خود را گردآوری نموده و به دفتر دارالتألیف ارسال دارند. از سوی دیگر مرائب را به شاه نیز عرضه داشته و از او درخواست کرد که در این زمینه وی را تأیید و تقویت نماید.

ناصرالدین شاه هم که به تاریخ و جغرافیا علاقه‌مند بود، توسط پیرزیزا علی خان امین‌الملک دستوراتی در تأیید اعتمادالسلطنه صادر کرد تا حکام ولایات هر چه زودتر اطلاعات مربوط به حوزه حکومت خود را به تهران بفرستند. ظل السلطان هم که در آن تاریخ بر نیمی از ایران یعنی بر اصفهان و بیزد و فارس و عراق و بروجرد و عربستان (خوزستان) و لرستان و کرمانشاه و کردستان و گلستان و خوانسار فرمژواری داشت به تقلید از پدر به ولات و حکام زبردست خود دستور کتی فرستاد که هر یک از آنان مطالب مربوط به حوزه حکومت خویش را تهیه نموده ارسال دارند. ولی از انجایی که حکام و ولات نه سوادکوه ایان کار را داشتند نه فرست و رغبت آن را در هر شهر یک یا چند نفر از داشتمانان و اهل اطلاع و علاقمندان به تاریخ و جغرافیا و گمی از مطالعین محلی را منتخب کردند و از آنان خواستند تا اطلاعات مورد نظر را جمع‌آوری و ارسال نمایند. با این حال، مطالب زبردست خود دستور کتی فرستاد که هر یک از آنان مطالعه موردنظر به موقع نرسید و اعتمادالسلطنه توافق است به ادامه تدوین این کتاب بپردازد. اعتمادالسلطنه در سال ۱۳۰۴ ه. ق. که کتاب مطلع الشمس را تألیف کرده در آغاز آن کتاب در مورد ادامه نیافتن کار تدوین مرآه البلاط می‌نویسد:

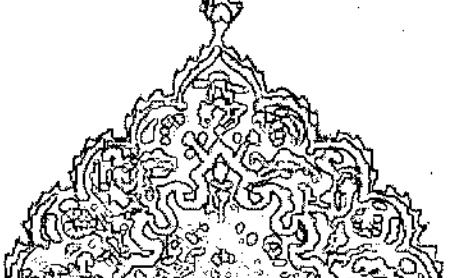
«شاید بعضی از مطالعه کنندگان اوراق، فرض و گمان کنند که ما از جاده اصلی خود خارج شده به واسطه صعوبت مسلک و مشکلاتی که چنین راهی را بالطبع در پیش است، از آن طریق عدول کرده و منحرف گردیده‌ایم و از نگارش

الْكِتَابُ الْمُتَّسِعُ الْمُمْكِنُ الْمُمْكِنُ
تَارِيَخُ سُوَادِكُوهِ مَا زَنْدَرَانِ



محمد‌خان اعتمادالسلطنه
تصویر در بوستان ملکه احمدزاده

فارستنامه ناصری تألیف حاج میرزا
حسن حسینی فسائی، آیینه تمام نمای
تاریخ و جغرافیای فارس در دوره
طولا نی بعد از اسلام تا اوایل قرن
چهاردهم هجری ^{آنست که دقیق ترین}
و نادر ترین اطلاعات ^{از درباره منطقه}
فارس با بیانی ساده به خوانندگان
از آن به کندا



مجلدات مرآه البلاط ناصری که سامع و قابل به ملاحظه سطور و فصول آن شائق و مایل می‌باشد صرف نظر نموده ایم اما پس از آن که به عین رضا در این صحیفه تصفیح نمودند یقین نمایند که مقصودی از تأییف منظم ناصری جز جمع‌آوری اسناد و اسباب این خصیته کتاب نداشته و آن حشو ملیح غذر صریح تعویق و مؤید میل طبیعت و تشویق و تلاقي بیکاری ایام تعطیل و اشتغال به نوعی از تحصیل بوده...».

همچنین در انتهای کتاب مطلع الشمس، اعتمادالسلطنه اظهار امیدواری می‌نماید که مجلدات دیگر مرآه البلاط نوشته آید.

به هر حال اگرچه کار تألیف مرآه البلاط به دلایلی که بر ما پوشیده استه تمام ماند، ولی در طول سال‌ها مقنار زیادی اطلاعات جغرافیایی (جغرافیای تاریخی) از ولایات مختلف به اداره دارالتألیف که زیر نظر اعتمادالسلطنه بود واصل شد و ظاهرآ همه آن اطلاعات محفوظ باقی مانده است. این مطالب که در اندازه‌های متفاوت نوشته شده در هشت دفتر به قطع رحلی جلد شده تا از جا به جایی یا گم شدن اوراق جلوگیری شده باشد. شرح مفصل این هشت

ولادت» سال جلوس: مدت سلطنت سال رحلت، مدت عمر
و مدنی هر یک به آن اضافه می کند، و به دنبال آن تحقیق
عنوان «سلطنت عظمی» به ذکر سال تولد و سال جلوس و
فرزندان و نواده و برادران و خواهران و اعمام ناصرالدین شاه
و سایر امیرزادگان می پردازد. سپس مختصرآ از موابیر دولتی
و مناصب رجال از دربار گرفته تا ولایات و ایالات از کشوری
تا الشکری یاد کرده و نام معلمین خارجی و تقسیمات لشکری
و سرکردگان سپاه را به آن اضافه می کند.

جلد دوم مطلع الشمس با این آیات که گویای وجه
تسمیه آن است شروع می‌شود:

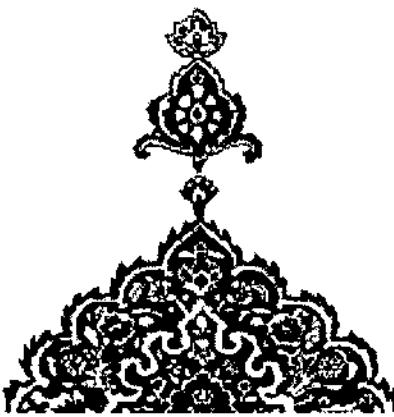
مطلع الشمس است آن شهری که جان
 با وجودش می نییند در جنان
 مطلع الشمس است آن فرخ بلد
 طبیب و طاهر، امین و مستند
 مطلع الشمسی نه چون خاور به جاه
 مطلع الشمسی مطاف مهر و ماه
 مطلع الشمسی فروغ افزای طوس
 نجم شارق، مشرق شمس الشموس
 مشهد است و شاهد و مشهور من
 موطن من معنی نعم الوطن

و آنگاه شهر مشهد را توصیف می‌کند و جای جا به اقوال نویسنده‌گان و سیاحان سایر کشورها همانند خانیکوف روسی و فریه فرانسوی و دکتر اول دیتر آلمانی استناد می‌کند. در شرح حرم مطهر و متعلقات آن دقت نظر خاصی نشان می‌دهد و بدنبال آن عین روزنامه شاه طهماسب صفوی را نقل، سپس متن سنگ مزار بعضی از شاهزادگان و بزرگان را بازگو می‌کند. صورتی از بعضی مباشرین تولیت استانه، با کارهایی که کرده‌اند از ائمه می‌دهد و پس از خاتمه توصیف مشهد، تعداد مدارس و کاروانسراها و متن کتبیه‌ها و جز آن را یادآور می‌شود و برای لطف بیشتر، خلاصه‌ای از روضه‌الصفای ناصری را ذکر می‌کند و بدنبال ترجمۀ احوال شعراء و برگزیدگان مشهد، به عنوان تکمله، فهرست کتاب‌های استانه قدس رضوی و نقشه‌ای از شهر مشهد را اضافه می‌کند جلد سوم این کتاب که در سال ۱۳۰۳ ه. ق. نوشته شده، پس از مقدمه و ذکر پاره‌ای مسائلی جزئی و شخصی، حاوی ادامه مفسر و بازگشت به تهران از طریق نیشابور و دامغان است. این جلد هم مانند جلد اول تشریح اوضاع هر یک از قراء و بلاد است و سوانح‌جام به بیان موقع آبادی خوار مجاورت تهران ختم می‌گردد. در پایان جلد سوم هم تقویم سال ۱۳۰۳ و مطالب مشابه در تکمله جلد اول اضافه شده است.^۷

از جمله کتاب‌های دیگر چهارفایی که در دوره سلطنت ناصرالدین شاه قاجار تدوین یافته است کتاب اصول علم چهارفایی تألیف عبدالغفار خان نجم‌الملک (نجم‌الدوله) می‌باشد که در سال ۱۲۹۸ هـ. ق. در تهران با چاپ سنگی زیور طبع گرفت. این کتاب در زمان سلطنت ناصرالدین شاه و به اشاره علیقلی خان مخبرالدوله وزیر علوم و وزیر کل تلگراف‌های ممالک محروسه تهیه و تدوین شده است. مؤلف کتاب ضمن تجلیل و تعریف از ناصرالدین شاه و وزیر علوم وی می‌گوید که او خود در تاریخ تحریر یعنی ۱۲۹۸ هـ. ق. بیست سال تمام در دارالفنون به معلمی کل ریاضی اشتغال و در رشته علوم چندی از قبیل حساب و هندسه و جبر و مقابله و مثلثات و نقشه‌کشی و سطحی و هیئت جدید عالم و جراثیل و قلعه سازی و پل سازی و راه سازی و غیرها کتاب‌ها ترجمه و تالیف نموده و من جمله ده سال قبل یعنی در ۱۲۸۸ هـ. ق. کتابی در چهارفایی مناسب حال



«جام جم» «مرأة البلدان»
 «أصول علم جغرافيما» «التدوين في
 احوال جبال شروين»
 «مطلع الشمس» «كتج دانش»
 «جغرافيای معرفه الأرض»
 «جغرافيای ریاضی و هیئت»
 «علم جغرافیا» «کفایه الجغرافی
 جدید طبیعی و سیاسی» «فارسانه
 ناصری» «جغرافیای حاجی مفاخر»
 «جغرافیای محمد صفوی خان»
 «أصول علم جغرافیای ایران»
 «مطلع الشموس» و «تحفه الافق»
 «عمده ترین کتابهای جغرافیایی
 هستند که تقریباً در عصر قاجار
 نگارش یافته و در نوشتار حاضر
 معروفی شده‌اند



خراسان نگارش یافته است.
این کتاب به مناسبت استقرار بارگاه حضرت رضا در
خاک خراسان و نیز موقعیت چهارفایلی این منطقه در شرق
ایران مطلع الشمس نام نهاده شده است. مطالب این کتاب
که در سه مجلد تدوین یافته بدين شرح است:
در جلد اول پس از حمد و ثناء و اظهار تعارفات مرسوم
نسبت به ناصرالدین شاه و افتخار سیر و سیاست در رکاب
سلطان قاجار، با ذکر چگونگی روس تهاها و شهرکهای جاده
فیروزکوه شروع می شود و با شرح نکاتی راجع به شهرها و
آبادی های مسیری که به خط کتابه معروف بوده و از حاشیه
جنوبی دریای مازندران می گذرد تا به خراسان و شهر مشهد
می رسد ادامه می یابد.

دقت نظر و توجه نویسنده به جزئیات ویژگی‌ها و مسائل جغرافیایی و تاریخی و بافت جوامع روستایی و شهری به کتاب مطلع الشمس اهمیت خاصی می‌بخشد. سعی نویسنده ببر آن است تا تصویر جانلار و گویلی از روستاهای و شهرهای ایران پیش چشم خواننده به نمایش بگذارد. با مطالعه چند صفحه نخستین کتاب به خوبی معلوم می‌شود که نویسنده از اطلاعات وسیع تاریخی و معلومات عمومی گسترده در زمینه‌های گوناگون برخوردار است و با دقت خاصی به تصریح مواضع و توضیح امکن مختلف می‌پردازد. کار نویسنده تشریح موقعیت جغرافیائی آبادیها، ذکر تعادل خانوار و بازارگو کردن نکات تاریخی مرتبه، بیان کیفیت دکان‌ها و اکالاها و بارزگانان، ثبت اسامی مساجد و امامزاده‌ها و درج تعداد آنها، تبیین تعادل مکتب خانه‌ها و مدارس با ذکر عدد شاگردان هر یک از آنها، آمار کاروانسراها، حمامها و خلاصه قرائت و ثبت و ضبط کتبیه‌ها و فرایمن و همانند اینهاست. نویسنده همچنین برای خروج از یک تحقیق صرف جغرافیایی، گهگاه به مناسبت، شعری فارسی، عربی یا ترکی چاشنی کار خویش می‌کند و یا به نقل داستانی از شاهنامه فردوسی صادرت می‌ورزد. به افسانه‌های رایج عامه توجه خاصی دارد و گهگاه برای اطلاع بیشتر خواننده به معنی کردن واژه‌ها دست می‌زند. موقعیت شهرهای بزرگ و طول و عرض و ارتفاع آنها را از سطح دریا پیش چشم دارد و ارقامی را بیان می‌کند که توسط کارشناسان خارجی برآورد شده است.

محمدحسن خان در تدوین کتاب از منابع تاریخی و
ذخایر ادبی و فرهنگی سود جسته و از کتابهای چون
حیب السیر، عالم آرای عباسی، احسن التواریخ، تاریخ
طبرستان و مازندران، روضه الصدقه تجارت السلفه کامل،
مطلع سعدین، نزهت القلوب، سلیمانیه و سفرنامه‌های
سیاحان ایرانی و خارجی بهره برده است. پس از بیان
چگونگی موقعیت جغرافیایی و نکات تاریخی هر شهر، به
ترجمه احوال بزرگان آن شهر می‌پردازد و گهگاه در مورد
اشخاص از اظهار نظر شخصی کوتاهی نمی‌کند. برای تبیین
بیشتر مطالب گاهی با خطوط ساده، طرحی از سکه‌ها و
سنگ قبرها و سجع مهرها ترسیم می‌کند و پیوسته سعی
دارد که کتاب از طراوت و بارگی خالی نشود. با این ترتیب
جلد اول به شهر طوس ختم می‌شود و برای محتوای بیشتر
در پایان جلد نخست همان گونه که مرسم این دوره است
به ذکر اتفاقات مهم سال‌های ۱۸۸۲-۴ م. سایر کشورها
دست می‌زند و سپس اهم وقایع داخل مملکت را از نوروز
سال ۱۳۰۰ ه. ق. الی روز ۲۱ جمادی الاولی ۱۳۰۱ بازگو
می‌کند. آنگاه جدول تقویم سال ۳۰۱ ه. ق. را مشروحاً با
در نظر گرفتن تقویم عربی، فارسی و فرانسوی و نصف‌النهار
ترسیم و سرانجام لیست سلاطین قاجار را بیان نام سال

پرداخته و در هر مورد فهرست وار حلواد ابعاد دریاها و کوههای رودهای، خلیج‌ها، تنگه‌ها، جزایر و شهر را به همان صورتی که در متن فرانسه بوده شرح می‌دهد و به همین جهت در تمام کتاب بیشتر از دو سه صفحه مطلب درباره ایران دیده نمی‌شود. این کتاب با خط نستعلیق بوسیله میرزا آقای گمنی نوشته شده و پاچاب سنگی به چاپ رسیده است.

کتابچه کوچکی نیز در ۳۱ صفحه درباره مسائل «جزئیاتی مرباضی و هیئت» شامل زمین و حرکات آن و اهله قمر و خسوف و کسوف و جزر و مد، توسط همین شخص یعنی مشاور الملک که دستور میرزا حسین خان مشیرالدوله به سمت کارپردازی طرابوزان منصوب شده بود در سال ۱۲۹۵ ه. ق. به چاپ رسیده است.^۲

از کتب دیگر این دوره کتاب علم جغرافیا تألیف میرزا موسی خان پسر مقاطعه‌الملک است که در سال ۱۳۱۸ ه. ق. در ۲۰۰ صفحه به قطع کوچک در تهران به چاپ رسیده است. مسائل در بخش مقدماتی این کتاب تحت عنوان «هیئت» مسائل مربوط به شکل و حرکات زمین و فضول و تقسیمات زمین به نحو شایسته‌ای مورد توجه واقع شده. در بخش آسیا ۲۵ صفحه به ایران اختصاص داده شده که ضمن آن اطلاعات جالبی درباره تهران به ویژه دروازه‌های تهران و محلات و حدود شهر نوشته شده و در بقیه کتاب که مربوط به قاره‌هاست ظواهر مختلف جغرافیائی طبیعی و سیاسی اورده شده است.^{۲۱}

کتاب «**کفایه‌الجغرافی جدید طبیعی و سیاسی**» تألیف عبدالغفار نجم‌الدوله کتاب جغرافیایی دیگر این دوره است که مخصوصاً تدریس در مدرسه دارالفنون و سایر مدارس ابتدائی تنظیم و در سال ۱۳۱۹ هـ ق. در تهران به چاپ رسیده است. در مقدمه این کتاب عبدالغفار نجم‌الملک به تأثیفات خود در رشته‌های مختلف علوم و فنون و همچنین نقشه‌هایی که از تهران و از جاده تهران تا محمره و از بوشهر تا تهران و نقشه حصار و کوچه‌های اصلی قم و کاشان و بروجرد و سلطان آباد و خرم‌آباد و شوستر و ذوق‌ول، محمره، حمیزه، اهواز و فلاخیه تهیه کرده اشاره کرده و از کتاب‌های جغرافیایی که قبل از این کتاب به چاپ رسانده نام برده است.

مطلوب و موضوعات مهم جغرافیایی که در این کتاب آورده شده است عبارتند از: مقدمات اصلیه در کواکب دستگاه شمسی یا عالم شمسی، زمین و شکل آن، صفحه زمین، فضول چهارگانه، طول و عرض جغرافیه، اختلاف ساعت، مقیاس و اندازه گرفتن راهها، جغرافیای طبیعی، آب و خاک، تقسیمات زمین، جغرافیای اروپا، آسیا، آفریقا، بر جدید (آمریکا)، استرالی، تعریف اقیانوس و حرکت آبها و میزان کف بحر اقیانوسها، بادها، اقلیم، باران، برف، اصطلاحات جغرافیا مانند جزیره، شبه جزیره، بحر الجزایر، روغ و راس، ساحل و سیف و شاطئ، نقشه های جغرافیا، نقشه طبیعی، معاش، ولایت، میزان نمای، آسیای طبیعی، آسیای سیاسی، دول و ایالات مستقله آسیا، احوال مملکت ایران، حدود مملکت قدیم ایران، کوهها و رودها، اقوام ساکن در سرزمین ایران، جغرافیای جدید ایران کنونی، موقع و حدود و وسعت و طول و عرض رسمي و جغرافی ایران، وضع سرحدات ایران، آب و هوا، جنگلهای بیشه ها، امراض محلی، حیوانات و شرح ولایات ایران که عبارتند از: عراق عجم، طبرستان، مازندران، گیلان، آذربایجان، کردستان ایران، خوزستان، لرستان، فارس، لرستان، کمان، و بلخستان، و خراسان.

در فصل دوم احوال اروپا، اروپای طبیعی، وسعت و موقع آنجا، در فصل سوم آفریقا طبیعی، در فصل چهارم

مطامع الشّمس

دبیاج و جزایر ای شروع بلاد دامکن خراسان

نامه اخراج شفاهی برای کشیده است، از این طرف داد و ستد مادرات تخریبیان ایلان، حضرت آیینه علیهم السلام، شیخ از این ائمه، میراث طرافقی مسیحیت علی فاطمی، تجارت شیخ احمد بن میراث شیخ انتشار شیخ سید احمد شمس، شاخص مبارکه اسلام، شاخص نوکلار یوسف شمشیر عالی شیخ احمد بن میراث شیخ احمد بن جعفر، شیخ احمد بن جعفر ...

بجهانِ دم
 با خشمِ از آن تقدیم
 نهست شد بخت نهشست مسیح هدایت
 بگوییم که نهشنت نهست
 نهشنت نهاد
 نهشنت نهاد
 آثر
 نهشتن میخواهند
 باشند
 نهشتن بگویی

در آغاز کتاب فهرست اسامی مورخین و جغرافیدانانی که نویسنده از آثار آنان استفاده کرده ذکر شده است، سپس تحت عنوان «اعلان» در معرفت کتاب چنین آمده است: «لین کتاب گنج داشت که مجمع منتخبات کنوز اهل...»

از روی کتب حکمای فاضل و فضلای کامل و مورخین یونانی و مصنفین فرنگی و مؤلفین و مولفین ایرانی منتخب و تالیف شده، شرح بلاد معظم ممالک ایران و شمه از عصر بعضی از شهرهایان و اتفاقات واقعه در هر زمان به مناسب جا و مکان از جنگ و پیکار و صنایع و حرفه خلق و عصر آن زمان و افتخارات ایرانیان شرح داده و ترتیب حروف را در اسمی بلاد ملاحظه نموده و نیز در ضمن شرح هر بلدی به مناسب کلام که اسمی از سلاطین نامدار و شهرهایان تاجدار و پادشاهان با عز و اقتدار با سران و سوداران نامی و اسپهبدان گرامی یا مذکورات از شهرهای قدیم که تغییر نام و جا و آبادی یافته بنا بر تسلیل رشته کلام ذکر شده و در ضمن شرح همان مملکت بیان نموده به نمره و اعداد سصفحه‌ها مرتب داشته‌ایم.

همچنین در قسمت دیباچه فهرست اسمی مورخان و سیاحان و استادان و معلمین جغرافی فرنگی، عثمانی، یونانی، مسلمان و هندی که تأثیرگذار بر جغرافیای ایران داشته، آورده شده است. سپس فهرست اسمی شهرهایی که در کتاب آمده، به ترتیب الفبا نوشته شده است. این کتاب که در ۵۷۲ چاپ شده با کلمه «آباد» آغاز و با کلمه «یونان»

خاتمه یافته است.^{۱۰}

کتاب «جغرافیای معرفه الارض» تأثیف محمود مشاور الملکه نظام تلگراف خانه مبارکه نیز از کتب جغرافیایی این دوره است که در ۱۵۳ صفحه در سال ۱۲۸۹ ه. ق. در تهران به چاپ رسیده است. در مقدمه کتاب نویسنده می‌نویسد که کتاب را به دستور مخبرالدوله علیقلی خان سرتیپ اول و رئیس تلگرافخانه کل ممالک مخصوصه ایران از فرمانبه فارسی برگردانده است. چند صفحه اول این کتاب به شرح احوالات جنگ‌ها انتتمان داده شده و ممتازه است.

فارسی برای اصطلاحات جغرافیای طبیعی و سیاسی فرانسوی نوشته شده است. سپس به ذکر قطعات و کشور

مدرسۀ مبارکه نگاشته است که کتاب مورد بحث در واقع چاپ دوم با اصطلاحات ضروری بشمار می رفته است. از گفتار مؤلف در مقدمه کتاب می توان استباط کرد که کتاب نجم الملک لاقل بیست سالی که او در دارالفنون تدریس می کرده کتاب درسی بوده است. کتاب اصول جغرافیا مشتمل بر دو بخش بوده که در بخش اول آن تمام مسائلی که بعدها به کلیات جغرافیایی از آنها یاد می شود گنجانده شده بود از جمله درباره اصول هیئت جدید (زمین در فضا) و اوضاع بسیط زمین و رشته جبال عظیمه (ناهمواری‌ها) و مجموعه‌ای در باب نژاد انسان و درجات تمدن و تربیت طوابق و مشاغل و صنایع ایشان و محصولات ارضیه که در اکناف عالم موجود است (اصول جغرافیای انسانی) به تفصیل آمده است. بخش دوم آن، شرح جغرافیای طبیعی و دولتی (سیاسی) اجزای پنج گانه عالم دکر شده است. کتاب اصول علم جغرافیا را بدون تردید باید نقطه عطفی در تحول فکر جغرافیایی و معرفی اصول جدید علم جغرافیای عربی که در آن زمان متدالوں بوده، دانست. در تعریف جغرافیا مؤلف بعد از شرح معنی لفظی جغرافیا و ترکیب آن از کلمه ژتو (زمین) و گرافی (شرح حال) قوائد و کاربرد این علم را برمی شمارد و خواسته را به آموزش آن تشویق می کند. او جغرافیا را از دو نظر تقسیم بندی می کند که در یکی آن را حکایتی (سرگذشت) و صورتی (نقشه‌های جغرافیایی) می داند و گوید که از حیث دیگر جغرافیا هر چند قسم باشد طبیعی و دولتی و جنگی و تاریخی و تجارتی و نباتی و امثال آن و عمدۀ مقصد ما شرح در قسم اول است که طبیعی باشد و دولتی و مسلم است که منظور از دولتی آن بوده که بعدها به جغرافیای سیاسی، شناخته شده است.

در بخش کلیات جغرافیایی آنچه نجم الملک درباره زمین در فضا و سیارات و ابعاد و تقسیمات زمین و مدارات و نصف النهارات و حرکات زمین و طول شب و روز و فصول و جزر و مد و انواع تصاویر و اصول تهیه نقشه‌ها و انواع تصاویر جغرافیایی و امثال آن می‌گوید در اصول همان است که هم آکنون هم با توجه به پیشرفت‌های جدید علمی در دانشگاه‌ها تدریس می‌شود در پایان بخش کلیات نویسنده حدود ۲۰ صفحه را به تعاریف جغرافیایی و اصطلاحاتی که جغرافیان باید بداند اختصاص داده از قبیل: آبخوست (جزیره) آبخوستک (جزیره کوچک) قطر و ناحیه و تکشور و اقلیم و ارض و دیار (هر قطعه از زمین اعم از آن که در آن حدود دولتی منظور باشد یا نباشد) زبانه (شیه جزیره)، شاخابه و خلیج (آب دریا که اندک در خاک داخل شود) مذنب و مذنب ملاحي و مذنب خشکی و مذنب حفظ صحت و مذنب آبراء، (انواع کاتانا).

در بخش دوم نجوم الملک نخست حدود قاره‌ها و اقیانوس‌ها و جزایر دریاها و کوههای رودها و خلوطات انتظامی را ذکر می‌کند، سپس به شرح نزدیکهای انسان و جمیعت روی زمین که تا قریب دو هزار و هشتاد کمتر تخمین زده شده است و نهادهای سیاسی و مذهبی و ذکر تعداد مسلمانان جهان نزدیک به ۳۴۰ کروز مری پر طارد و نیز در تعریف جغرافیای مدنی می‌نویسد جغرافیای فلاحتی و صنعتی و تجاری را بر روی هم جغرافیای مدنی گویند به علاوه آنکه مختصراً از جغرافیای حیاتی آورده است. در خاتمه این کتاب شرح تفصیلی جغرافیای قاره‌ها بر اساس تقسیم‌بندی‌های منطقه مسلط نماند خود آورده است.

و سیاستی رسان نموده اورده است.
کتاب گنج داشت تالیف محمد تقی خان متخلص به
حکیم از دیگر کتابهای جنگل‌گردانی این دوره است که در سال
۱۳۰۵ ه. ق. در تهران با چاپ سنگی، چاپ و منتشر شده



محمد شاه صدرالدوله اخوه السلطنه

مؤلف و بانی چندین تألیف جغرافیایی قاجار

بر جدید (آمریکای شمالی و جنوبی) و چگونگی کشش پس از فصل پنجم اقیانوس طبیعی، اقیانوس سیاسی، چگونگی کشف آمریکا، نژاد انسان، حیوانات گنجانده شده است.

از مزایای کتاب این است که به عوامل اقلیم و آب و میرزا حسن فسائی توسط مصحح محترم کتابه منصور رستگار فسائی نوشته شده است. سپس فهرست کتاب هایی که برای تدوین و تألیف کتاب مورد استفاده قرار گرفته ذکر شده است. نشر فارسنامه ناصری ساده و فصیح است و آیات قرآنی و احادیث نبوی و ادعیه نیز در آن دیده می شود. اشعار عربی، ضرب المثل ها، جملات عربی و نیز لغات و اوصاف ترکیبات عربی، کتب عربی، تشبیهات، کنایات، استعارات، استشهادها، تمثیل ها، حکایات، ماده تاریخ و اشعار تاریخی نیز به کرات آورده شده است.^{۱۵}

از کتب دیگر جغرافیایی که بعد از انقلاب مشروطه نوشته شده، کتاب اصول علم جغرافیایی ایران تألیف و ترجمه معتمدالسلطان است که در سال ۱۳۲۷ هـ. ق. در تبریز به چاپ رسیده است. در این کتاب که برای شاگردان مدارس ابتدایی تألیف شده تعاریف و اصطلاحات جغرافیایی بدین شرح آمده است، تعریف علم جغرافیا، چگونگی شکل زمین، حرکت زمین، تعریف فرسخ، حرکت شبانه روزی زمین، حرکات دیگر زمین، ذکر فصول سال، مدت هر فصل، کره مصنوعی، تعریف نقشه، آبها، دریاها، آقیانوسها، پیج قطمه (قاره) زمین، نژادها، جهات جغرافیائی، تعریف مجمع الجزایر، دریاچه، تنگه، بزرخ، خلیج، خلیج کوچک، بندر، دماغه، ساحل، کوه، کوه پست و کوچک، سلسله جبال، دره و پس از بیان مقدماتی، از شیراز و خصائص و بنایها و بقاع و

بساتین و علما و شاعرا و وزرا آن سخن می راند و چون به شهرها و بلوکات فارس می رسد اقدام به معرفی تمامی بلوکات، شهرها و روستاهای به طوری جامع می نماید و به قول خودش:

«گفتار دوم را در بیان صفحه زمین فارس و آچه را خنای تعالی بر آن آفرید یا مردمان ساخته اند، نمودم مانند شهر شیراز و محلات آن و اعیان هر محله و بقاع و بساتین و بلوکات فارس و قصبات و عرض و طول و سمت قله مسلمانان آنها و دهات و جهت و نسبت قصبات و شهر شیراز و جهت و نسبت دهات و قصبات، پس ایلات فارس و تبره های ایلات و جزائر و چشمته های مشهور و دریاچه و رودخانه ها و قلعه های خدا افرین که بر فراز کوهها آفریده... پس نام کوههای مشهور فارس، پس معدنهای فارس را به وصفی که در نقشه مملکت فارس به اختراع این بندۀ مرتسم گشته است به ترتیب حروف ایرانی با ملاحظه حرف دوم و سیم بلکه چهارم و پنجم تا جستن نام هر بلوکی قصبه و قریه ای و همچنین در سایر چیزها آسان گردد».^{۱۶}.

جغرافیای حاجی مفاخر تأثیر مفاخرالدوله کارگزار کل سهام خارجه مملکت آذربایجان که در سال ۱۳۲۱ هـ. ق. احتمالاً در تبریز به چاپ رسیده از دیگر منابع جغرافیای این دوره است. این کتاب که در حدود ۱۳۰ صفحه می باشد به دو قسم تقریباً مساوی تقسیم شده است که قسمت اول آن درباره کلیات جغرافی و بخش دوم مریبوط به ایران است و از نظر تقسیمات سیاسی کشور در آن زمان اطلاعات قابل توجهی دارد.^{۱۷}.

از منابع جغرافیایی دیگر این دوره کتاب جغرافیای محمد صفوی خان است که بارها تجدید چاپ شده و سالها مورد استفاده بوده است. بخش های اول کتاب که در کلیات است به صورت سؤال و جواب و به نحو مطلوبی تنظیم شده و با جغرافیای محل شروع می شود.

نخستین سوال کتاب این است: «ما الان در کجا و در چه محل هستیم؟» و این از جهت آموزش جغرافیا بسیار مؤثر و مفید است. در فصول میانی کتاب که به جغرافیای پنج قاره اختصاص یافته مسئله تازه ای وجود ندارد ولی بخش بیانی یا فصل چهارم کتاب که در ۱۱۳ صفحه تحت عنوان «جغرافیای وطن» به جغرافیای ایران اختصاص داده شده مطالب جالب توجهی درباره وضع حکومت و تقسیمات مملکت و پایتخت آن تهران و نیز درباره فعالیت های اقتصادی و بازرگانی ایران زیر عنوان جغرافیای ترویت در دو سال قبل از مشروطه به دست می دهد. این کتاب در صدر مشروطه هم در دارالفنون و مدارس دیگر کشور تدریس می شده است.^{۱۸}

از کتب دیگر جغرافیایی که بعد از انقلاب مشروطه نوشته شده، کتاب اصول علم جغرافیایی ایران تألیف و ترجمه معتمدالسلطان است که در سال ۱۳۲۷ هـ. ق. در تبریز به چاپ رسیده است. در این کتاب که برای شاگردان مدارس ابتدایی تألیف شده تعاریف و اصطلاحات جغرافیایی بدین شرح آمده است، تعریف علم جغرافیا، چگونگی شکل زمین، حرکت زمین، تعریف فرسخ، حرکت شبانه روزی زمین، حرکات دیگر زمین، ذکر فصول سال، مدت هر فصل، کره مصنوعی، تعریف نقشه، آبها، دریاها، آقیانوسها، پیج قطمه (قاره) زمین، نژادها، جهات جغرافیائی، تعریف مجمع الجزایر، دریاچه، تنگه، بزرخ، خلیج، خلیج کوچک، بندر، دماغه، ساحل، کوه، کوه پست و کوچک، سلسله جبال، دره و کوه آتش فشان، دشته فلات، صحراء، شط، رودچه، منبع یا

بر جدید (آمریکای شمالی و جنوبی) و چگونگی کشش پس از فصل پنجم اقیانوس طبیعی، اقیانوس سیاسی، چگونگی کشف آمریکا، نژاد انسان، حیوانات گنجانده شده است.

از مزایای کتاب این است که به عوامل اقلیم و آب و میرزا حسن فسائی توسط مصحح محترم کتابه منصور رستگار فسائی نوشته شده است. سپس فهرست کتاب هایی که برای تدوین و تألیف کتاب مورد استفاده قرار گرفته ذکر شده است. نشر فارسنامه ناصری ساده و فصیح است و آیات قرآنی و احادیث نبوی و ادعیه نیز در آن دیده می شود. اشعار عربی، ضرب المثل ها، جملات عربی و نیز لغات و اوصاف ترکیبات عربی، کتب عربی، تشبیهات، کنایات، استعارات، استشهادها، تمثیل ها، حکایات، ماده تاریخ و اشعار تاریخی نیز به کرات آورده شده است.

این کتاب از دو بخش مجزا تشکیل شده است که تویسنه بر آنها، نام گفتار اول و گفتار دوم نهاده است. در گفتار اول واقعیت تاریخ فارس و گاهی ایران از صدر اسلام تا سال ۱۳۰۰ هـ. ق. به ترتیب گاه شماری هجری ازانه شده است. اگرچه میرزا حسن این وقایع را تا سال ۱۳۱۲ هـ. ق. نوشته است ولی دوازده سال آخر این وقایع مفقود گردیده و مؤلف به علت ضعف چشم نتوانسته آن را تجدید نماید. در گفتار دوم فارسنامه، میرزا حسن به تبیین و توصیف اوضاع منطقه فارس با بیانی ساده به خوانندگان ازانه می کند و از کلی ترین و با اهمیت ترین وقایع تا جزئی ترین اتفاقات مریوط به این منطقه را بادقت و حوصله و وسوس عجیبی

شمسالعماهه قرار داشت. در آن سال حفر خندق جدید که شمال آن با بخشی از خیابان انقلاب فعلی مطابقت دارد آغاز شد و منظور از اراضی جدید زمینهای بین دو خندق است که جزء دارالخلافه شده بود. (محمدحسن گنجی، پیشین، ص ۲۹).

۷. گنجی، پیشین، ص ۲۸.

۸. همان، ص ۲۹.

۹. همان، ص ۳۰، ۳۱.

۱۰. همان، ص ۳۲.

۱۱. گنجی، پیشین، ص ۱۴۹.

۱۲. فرهاد میرزا معتمدالدوله، جام جم، تهران، چاپ سنگی، ۱۲۷۲ هـ. ق.

* غربی ترین جزیره مجمع‌الجزایر کاتاری

۱۳. اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان: مرآه‌البلدان، تصحیح عبدالحسین نوائی و میرهاشم محدث، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۶۷.

۱۴. محمد حسن اعتمادالسلطنه، التدوین فی احوال جبال شروین (تاریخ سواد کوه مازندران). تصحیح مصطفی احمدزاده، تهران، انتشارات فکر روز، ۱۳۷۳، ص ۱۷.

۱۵. همان، ص ۲۲.

۱۶. همان منبع.

۱۷. اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان: مطلع‌الشمس، تهران، پیشگام، ۱۳۶۲ هـ. ق.

۱۸. عبدالغفار خان نجم‌الدوله: اصول علم جغرافیه، تهران، چاپ سنگی، ۱۲۹۸ هـ. ق.

۱۹. محمدتقی خان حکیم: گنج دانش، تهران، چاپ سنگی، ۱۳۰۵ هـ. ق.

۲۰. گنجی، پیشین، ص ۱۵۵.

۲۱. همان، ص ۱۵۶.

۲۲. عبدالغفار نجم‌الدوله، کفایه الجغرافی جدید، تهران، چاپ سنگی، ۱۳۱۹ هـ. ق.

۲۳. فسایی حسینی، میرزا حسن: فارست‌نامه ناصری، تصحیح منصور رستگار فسائی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۷ ج، ص ۱۱۱.

۲۴. گنجی، پیشین، ص ۱۵۷.

۲۵. همان، همان منبع.

۲۶. معتمدالسلطنه: اصول علم جغرافیه ایران، تبریز، چاپ سنگی، ۱۳۲۷ هـ. ق.

۲۷. گنجی، پیشین، ص ۱۵۸.

۲۸. هدایت، مهدی قلی خان: تحفه‌الافق، تهران، ۱۳۲۸ هـ. ق؛ گنجی، پیشین، ص ۱۶۱.

۲۹. جمال زاده محمدعلی، گنج شایگان، برلن، کاؤ، ۱۳۳۵ هـ. ق.

مطلع‌الشمس

دیانت و جغرافیای شرح بالادوکن عزمان

هزینه‌نگاری برگردان، تقدیر احوالات تحریش ایام مدت زیرین عدهن
شیوه‌نگاری، نوشته‌نگاری می‌گذر و تجاهات شرایطی را مانع ساخته.
شیوه‌نگاری، نوشته‌نگاری می‌گذر و می‌شوند عالم شایان که نهایان گذشت
کننگ کننگ برز...

بدونم

باهمه‌نگار

فرست بسته ناسمه نزدیکی از شنیدن مردم شنیدن بیرونی بیرونی

اُر

زیرخان می‌بینیم و زیر خان

بینه‌نگ

تیرزبان بیرونی

مرجع مهم و مفیدی قلمداد می‌گردد^{۲۵}...

و بالآخره در کتاب گنج شایگان تألیف محمدعلی جمال زاده باید نام برد که یکی از منابع جغرافیایی در زمینه جغرافیای اقتصادی و بازارگانی است و در سال ۱۳۲۵ توسط انتشارات کاوه در برلن به چاپ رسید. گنج شایگان اولین کتابی است که در زمینه جغرافیای اقتصادی با دقت و ظرافت علمی تدوین یافته است. اگرچه از مسائلی کلی جغرافیایی مثل جمعیت، آب و هوا و نزد و ملیت ایرانی ذکری مختصر در مقدمه اورده است اما در مسائل اقتصادی مانند صادرات و واردات و گمرک و راههای حمل و نقل و محصولات کشاورزی و معدن و منابع و منابع که تحت عنوان تشبیثات معامل تجاری از ذکر هیچ مطلبی فرو گذار نشده است و در تمام موارد ارقام و امارهای مرتب آن جا که فراهم بوده در این کتاب گزارش شده است.^{۲۶}

پی‌نوشت‌ها:

۱. شمیم، علی اصغر: ایران در دوره سلطنت قاجار، تهران، علمی، ۱۳۷۰. ص ۳۹۹.

۲. آدمیت، فریدون: امیرکبیر و ایران، تهران، خوارزمی، ۱۳۴۸. ص ۱۵۸.

۳. گنجی، محمدحسن: جغرافیا در ایران از دارالفنون تا انقلاب، مشهد، استان قفس رضوی، ۱۳۶۷. ص ۲۶، ۲۵.

۴. محبوبی اردکانی، حسین: تاریخ تحول دانشگاه تهران و مؤسسات آموزش عالی در ایران، تهران، دانشگاه تهران، ص ۲۱.

۵. نجم‌الدوله، میرزا عبدالغفار: تشخیص نفوس تهران، به اهتمام ناصر پاکدامن، فرهنگ ایران زمین، ج ۲۰، ص ۲۵۹-۳۲۴.

۶. شهر تهران تا ۱۲۸۴ هـ. ق محدود به حصار شاه طهماسبی بود که حد شمالی آن در حدود سبز میدان فعلی و

منشاء شط و روده ملتقی النحرین (محل اتصال دو شط به هم‌دیگر) ساحل راست شط، ساحل چپ یک شط، حوض شط، منطقه حوض.

سیس سوالاتی راجع به جغرافیای ایران در زمینه‌هایی چون: پایتخت ایران، نفوس ایران، آب و هوای ایران، مساحت ایران، حدود ایران، نژاد ایران، ایلات ایران، کوهها، رودها، دریاچه‌ها، معدنها، نباتات، حیوانات، صنایع، راه آهن، اندازه خط تلگراف و غیره مطرح شده است. در پایان این کتاب استانهای مختلف کشور با ذکر تعداد جمعیت، موقعیت، جغرافیائی، نام شهرهای استان و ذکر مساحت آنها معرفی شده‌اند.^{۲۷}

مطلع‌الشمس نیز که از منابع جغرافیایی این دوره به شمار می‌آید جزوی است در جغرافیا که در سال ۱۳۳۱ هـ. ق. توسط فضل الله بدایع نگار آستان قفس رضوی در مشهد به چاپ رسیده است. این جزوی مختصر احتمالاً تنها اثر جغرافیایی در زبان فارسی است که به نظام درآمده است. هدف نویسنده این بوده که بدین وسیله اعلام جغرافیائی و مطالب مربوط به آن به سهولت در حافظه داشت آموز جا گیرد. به این چهت کتابی کوچک در ۵۰ صفحه تنظیم کرده و تمام کتاب را بر اساس سوال و جواب به نظم در آورده است. برای نمونه چند قطعه آن نقل می‌شود:

«س: خداوند قادر متعال زمین به چه شکل خلق فرموده؟ ج: خداوندی که تقدیر جهان کرد

زمین را گرد همچون گردگان کرد

دلیل گردشش عقل سليم است

نه هر عقلی که گرد است و سقیم است»

بخشنها کتاب که به نثر معمولی ولی بر اساس سوال و جواب است به وصف جغرافیای مشهد اختصاص دارد که در آن مطالب مفصلی درباره مرکز استان خراسان آمده و می‌تواند مبنای خوبی برای مطالعه جغرافیای شهری مشهد در دوره قاجار قرار گیرد.^{۲۸}

از جمله منابع دیگر جغرافیای اوخر دوره قاجار کتاب تحفه‌الافق ترجمه و تالیف مهدی قلی خان هدایت است که در سال ۱۳۳۸ هـ. ق. در ۷۶۲ صفحه به قطع وزیری با تصاویر و نقشه‌های فراوان به چاپ رسیده است. تحفه‌الافق از دو بخش تشکیل شده که باب اول آن در ۷۲ صفحه به کلیات هیئت و جغرافیا و باب دوم آن در حدود ۷۰۰ صفحه به تعاریف اولی به ذکر مسائل مربوط به اجرام سماوی و توابع و سیارات و صور فلکی می‌پردازد که با تصاویر و اشکال جالب توان است. آن گاه مسائل مربوط به زمین در فضا در حرکات زمین و اثار جغرافیایی مترقب بر آنها از قبیل شب و روز و فصول و اختلاف ساعت و تقویم و تقسیمات و مناطق زمین و راههای تهیه نقشه‌ها و تصاویر جغرافیایی و تاریخچه تکامل نقشه‌های جغرافیایی و بالآخره تحولات قرون ۱۸ و ۱۹ م. را مورد بحث قرار می‌دهد.

باب دوم این کتاب که حدود ۷۰۰ صفحه کتاب را تشکیل می‌دهد، به جغرافیای اروپا مربوط می‌گردد و مفصل ترین متن جغرافیایی است که تا آن زمان به زبان فارسی درباره اروپا نوشته شده است. این بخش کتاب دارای تصاویر و نقشه‌های زیادی است و آن چنان به تفصیل نگاشته شده که می‌توان آن را دایره‌المعارفی کامل درباره اروپا دانست زیرا هم دارای مباحث جغرافیای طبیعی است و هم سوابق تاریخی و تزادی و مذهبی و زبانی و شرایط اقتصادی و اجتماعی تمام کشورهای آن روز اروپا در آن دیده می‌شود و در نتیجه از لحاظ مطالعه اروپایی قبل از جنگ جهانی اول